

رابطه پایگاه هویت و اعتیاد در زنان استان تهران^۱

رحم خدا جوادی^۲

چکیده

طرح مسأله: این پژوهش با هدف شناخت رابطه پایگاه هویت و اعتیاد در زنان استان تهران انجام شده است.

روش: روش پژوهش، پس رویدادی است. نمونه‌گیری به روش در دسترس و شامل ۴۰ زن معتاد مراجعه کننده به مراکز توانبخشی استان تهران و ۴۰ زن غیرمعتاد بود که از نظر برخی متغیرهای دموگرافیک با آنها همتا سازی شدند. از "آزمون گسترش یافته عینی پایگاه هویت من" (EOM-EIS2) (مارسیا، ۱۹۶۶)، برای سنجش پایگاه هویت استفاده شد. داده ها به کمک آزمون t تحلیل شد.

یافته‌ها: آزمون t نشان داد که نمرات پایگاه‌های هویت سردرگم و معوق در گروه معتاد، به طور معناداری بالاتر از گروه غیر معتاد و نمرات پایگاه هویت موفق در گروه غیر معتاد، بالاتر از گروه معتاد بود.

نتایج: هرچه فرد بحران هویت را تجربه کرده باشد و از وضعیت هویتی دارای تعهد و رشد یافته‌تری برخوردار باشد، کمتر احتمال دارد که به معضل اعتیاد گرفتار شود.

کلید واژه ها: هویت، پایگاه هویت، اعتیاد، زنان

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۵/۶

مقدمه

اگرچه سهم زنان در مشکلات مواد مخدر در آمارهای رسمی نشان داده نمی‌شود، اما روز به روز بیشتر در همه مشکلات مربوط به مواد مخدر درگیر شده و به احتمال قوی در این درگیر شدن‌ها گرفتار پیامدهای وخیم‌تر از مردان می‌شوند. ارتباط بین مصرف برخی مواد و رفتارهای پرخطر جنسی، موجب افزایش و شیوع بیماری‌های جنسی منتقل شونده مثل ایدز شده است (وایزمن^۳ و همکاران، ۱۹۹۵، به نقل از کلر، ۲۰۰۰). سوء مصرف مواد، ریسک ابتلاء به ایدز را افزایش می‌دهد. ایدز، چهارمین علت مرگ و میر زنان در سن باروری است (NIDA، ۱۹۹۷، به نقل از کلر، ۲۰۰۰).

۱. این تحقیق طی قرارداد شماره ۸۰۱/۴/۸۶/۱۱۱۳ با حمایت مالی و علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، مرکز تحقیقات سوءمصرف و وابستگی مواد (مؤسسه داریوش) انجام شده است.

۲. کارشناس ارشد مشاوره توانبخشی - نویسنده مسؤول rjavadi56@gmail.com

مطالعه هویت، در ارتباط با سوء مصرف مواد، می‌تواند به ادبیات مربوط به حوزه اعتیاد کمک کند. فهم تحول هویت‌ها، ما را آگاه می‌کند که چطور افراد هویتشان را تولید و باز تولید می‌کنند و رفتارشان را درون زمینه اجتماعی بزرگتر شکل می‌دهند. مهمتر اینکه هویت‌ها رفتار را بر می‌انگیزانند. بنابراین مطالعه هویت، سرانجام در شناخت تغییرات در رفتار نیز، به ما کمک می‌کند.

به نظر جونز^۱ (۱۹۹۴، نقل از ادبی، ۱۳۷۹)، اگر تلاش‌هایی که در مدارس غربی جهت پیشگیری از مشکلات رفتاری نوجوانان مثل سوء مصرف^۲ مواد می‌شود، معطوف به کمبودهای رشدی زیربنایی می‌شد، این مداخلات اساسی‌تر و مؤثرتر بوده و احتمال کاهش چنین رفتارهایی افزایش می‌یافت. در واقع برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر باید مداخله‌های مناسب مربوط به رشد را انجام داد و با اصلاح و کمک به بلوغ هویت در افراد، از شیوع مشکلات مربوط به شکل‌گیری هویت ناسالم کاست.

کنش متقابل گرایان، در بررسی رفتارهای انحرافی و دوره‌های اعتیاد و بیماری، اهمیت تغییر هویت در پیدایش، ادامه و خاتمه اعتیاد به مواد، الکلیسم، جرم و بیماری روانی را مورد کاوش قرار داده‌اند. اندرسون^۳ (۱۹۹۴)، مدل تغییر هویت ناشی از مصرف را بر اساس اصول نظریه کنش متقابل نمادین ارائه داده است. به نظر وی افراد به سوی گروه‌های خرده فرهنگ مواد جذب می‌شوند تا مشکلات هویتی فعلی‌شان در دوران کودکی و نوجوانی را حل نمایند. خرده فرهنگ مصرف مواد، فرصت‌های مهمی را برای تغییر هویت مرتبط با مواد تدارک می‌بیند.

اندرسون (۱۹۹۳، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸)، در چارچوب اصول نظریه^۴ کنش متقابل نمادین^۴، نشان داده است که احراز هویت در خرده فرهنگ و انطباق با هویت مرتبط با مواد مخدر، رضامندی فرد را نسبت به هویت شخصی افزایش می‌دهد و یا از میزان رنج‌آوری هویت از این طریق می‌کاهد.

قضیه اصلی در این مدل آن است که افراد به دلیل مشکلات هویتی فعلی‌شان، در کودکی و نوجوانی به سوی تغییر هویت مرتبط با مواد، انگیزه می‌شوند و گروه‌های خرده فرهنگ مواد مخدر، فرصت‌های مهمی را برای تغییر هویت مرتبط با مواد، تدارک

1 - Jones

2 - substance abuse

3-Anderson

4 - symbolic interaction theory

می‌بینند. آنان هویت‌های "منحرف" یا "جایگزین" و سطح مهمی از "رضامندی نسبت به هویت شخصی" یا هویت "خود" را ارائه می‌کنند. (اندرسون و جاشوا، ۱۹۹۸، ترجمه سید ربیع، ۱۳۸۲)

هویت آسیب دیده افراد، آنان را به سوی گروه‌های حاوی خرده فرهنگ شکل گرفته حول محور مصرف مواد، برمی‌انگیزاند که می‌توانند به آنان کمک کنند تا مشکلات هویتی‌شان را رفع نمایند. (ویلیس^۱، ۱۹۹۷، هبداج^۲، ۱۹۷۹؛ هال^۳ و جفرسون^۴، ۱۹۷۶، به نقل از اندرسون و جاشوا^۵؛ ترجمه سید ربیع، ۱۳۸۲)

اریکسون هویت را تعادلی بین تعهد^۶ و سر در گمی نقش (نقشی که فرد در جامعه به عهده می‌گیرد) می‌داند. الگوی پایگاه هویت مارسیا بیشتر بر پایه نظریه اریکسون و در رابطه با شکل‌گیری هویت در نوجوانان است. مارسیا (۱۹۶۶)، مفهوم "هویت من"^۷ اریکسون را به عنوان پایگاه هویت، عملیاتی کرده است. پایگاه هویت^۸ نتیجه دوران بحران هویت است که در اواخر نوجوانی (۲۲-۱۸ سالگی)، فرد به یک پایگاه هویت مستقل می‌رسد.

مارسیا، تحقیق را با تعمیم و گسترش مختصر اندیشه‌های اریکسون آغاز کرد. در نظریه مارسیا معیارهای دستیابی به هویت کامل، براساس دو متغیر کلی است که قبلاً توسط اریکسون به نام "بحران (جستجو) و تعهد" شناسایی شده است. (سیف، ۱۳۷۹)

به نظر اریکسون، بحران، رویداد بهنجار زندگی است. وی بحران را اینگونه تعریف می‌کند: یک مرحله تغییر، یک لحظه قطعی در هنگامی که رشد بایستی در یک طریق یا طریق دیگری پیش برود، یکپارچه کردن منابع رشدی، بهبودی و تمایزبخشی بیشتر. (اریکسون، ۱۹۶۸، نقل از آدامز، ۱۹۹۸)

در مطلوب‌ترین شرایط، بحران هویت باید در اوایل یا اواسط دهه سوم عمر حاصل شود تا فرد بتواند به مسایل دیگر زندگی بپردازد. وقتی این فرایند با موفقیت شکل

1 - Willis
2 - Hebdige
3 - Hall
4- Jefferson
5 - Jashua
6 - commitment
7 - ego identity
8 - Identity status

گیرد، می‌گوییم فرد به موفقیت دست یافته، به این معنی که وی به مفهوم یکپارچه‌ای از هویت جنسیتی، جهت‌گزینی شغلی و جهان بینی نایل شده است. تا وقتی بحران هویت حل نشده باشد، فرد مفهوم یکپارچه‌ای از خود یا سلسله معیارهای ارزیابی ارزشمندی خویش را در زمینه‌های عمده زندگی نخواهد داشت. (اتکینسون^۱ و همکاران، ۱۹۹۵، ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۸۳)

تعهد بر مبنای فرایند تصمیم‌گیری، شامل اتخاذ نظر، انتخاب و رد کردن قرار است. تعهد عبارتست از "تثبیت و اتخاذ تصمیم‌هایی نسبتاً بادوام و سرمایه‌گذاری شخصی روی این تصمیم‌ها". هنگامی می‌توان گفت نوجوان به هویتی دست یافته است که در مجموعه‌ای از تعهدهای نسبتاً پایدار، سرمایه‌گذاری کرده باشد و اگر در چنین تعهدهایی نقص دارد یا از ایجاد آن ناتوان است، هویت او نقص خواهد داشت. تعهدهای فرد دارای سلسله مراتب نسبی است، یعنی نه آنقدر انعطاف‌ناپذیر است که وی نتواند از نقشی به نقش دیگر تغییر کند و نه آنقدر سیال که وی اغلب درباره چیزهایی که بیشترین ارزش را برایش دارد، سردرگم و دچار تعارض باشد. (بورن، ۱۹۷۸، نقل از ادبی، ۱۳۷۹)

مارسیا با ترکیب حضور یا فقدان این معیارها (عبور از بحران و کسب تعهد)، چهار پایگاه هویت را مشخص کرد:

- پایگاه هویت موفق (فرد بحران را پشت سر گذاشته و دارای تعهد است.)
- پایگاه هویت تعلیق (فرد در دوره بحران است و تعهدی ایجاد نکرده است.)
- پایگاه هویت زودرس (فرد بحرانی نداشته، اما دارای تعهد است.)
- پایگاه هویت سردرگم (فرد در حال حاضر نه بحران دارد و نه تعهدی کسب کرده است.)

مطالعات مئوس^۲ (۱۹۹۶)، نشان می‌دهد که پایگاه‌های هویت از نظر سلامت روانی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، یعنی افراد دارای هویت تعلیق و متعاقب آن هویت سردرگم، دارای پایین‌ترین سطح سلامت روانی هستند و پایگاه‌های دارای تعهد بالا (هویت زودرس و موفق)، بالاترین سطح سلامت روانی را نشان می‌دهند.

1 - Atkinson

2 - Meeus, W

اریکسون (نقل از شرفی، ۱۳۸۱)، اظهار می دارد که رسیدن به هویت ثابت، برای برخی گروهها مشکل تراست، مثلاً، برای گروه زنان که در برخی جوامع شرایط نابرابری با مردان دارند، دستیابی به هویت ثابت دشوار است.

لسلی زبر و ویت^۱ (نقل از دارابی، ۱۳۸۱)، در مطالعه‌ای که درباره ادراک زنان و مردان در خصوص مفاهیم مختلف انجام دادند، به نتایج گوناگونی دست یافتند. آنان به این نتیجه رسیدند که احساس هویت زنان از خودشان، بیشتر مصرف کننده کالاهای مصرفی تلقی شده و مردان بیشتر صاحب‌نظر و متخصص عنوان شدند. زن اکثراً در نقش‌هایی ظاهر شده است که او را در چارچوب خانواده نشان می‌دهند، در حالیکه برای مردان وضع به گونه‌ای دیگر بوده است. زنان، برعکس مردان، وابسته به دیگران و غیر مستقل نشان داده شدند. این نتایج با نتایج بسیاری از مطالعات دیگر هماهنگ بوده است.

شاره و آقامحمدیان (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان رابطه پایگاه‌های هویت و فرار دختران از خانه، تعداد ۲۰ نفر از دختران معتاد ساکن مرکز بهزیستی طوس شهر مشهد و ۲۰ نفر از دختران عادی را که از لحاظ سن و تحصیلات هم‌تا سازی شده بودند، مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که نمرات پایگاه هویت پراکندگی (معوق)، در دختران فراری به طور معناداری بالاتر از میانگین این پایگاه در دختران عادی بود. اریکسون (۱۹۵۶، نقل از آدامز، ۱۹۹۸)، هویت را به عنوان "مجموعه کلی تجربه‌ها" تعریف کرد. یعنی پایگاههای بالغ هویت، نتیجه تجارب متنوع هستند. با این تعریف از هویت، انتظار می‌رود که تجربه مواد در پایگاههای هویت بالغ، بیشتر دیده شود. از سوی دیگر، در هویت‌های دارای تعهد زودرس یا فاقد تعهد نیز، اگر در محیط اجتماعی فرد، استفاده از مواد و داروها شایع باشد، ممکن است سوء مصرف مواد دیده شود.

در پژوهش جونز و دیگران (۱۹۸۹، نقل از ادبی، ۱۳۷۹)، مشخص شد که آزمودنی‌های پایگاه هویت موفق و سردرگم، در مقایسه با افراد هویت زودرس، احتمال بیشتری وجود دارد که مصرف کننده ماری جوانا و سیگار باشند. علاوه بر این آزمودنی‌های پایگاه هویت تعلیق و موفق، تجارب بیشتری با سیگار، ماری جوانا، هروئین،

الکل و مواد استنشاقی را گزارش می‌کنند. جونز (۱۹۸۴، نقل از ادبی، ۱۳۷۹)، " بلوغ روانی اجتماعی، با گزارش آزمودنی‌ها از امتحان سیگار، الکل و ماری‌جوانا، ارتباط مثبت دارد." همچنین جوانان پایگاه سردرگم، بیشترین احتمال را دارد که مصرف کنندگان مزمن داروها باشند.

بیشاپ و دیگران (۱۹۹۷)، گزارش کردند که آزمودنی‌های پایگاه‌های هویت نابالغ (به اصطلاح آنها کمتر هوشمندانه)، سطوح بالاتری را در حجم و نیز فراوانی مصرف آبجو گزارش کردند. یعنی رابطه خطی معکوس بین مصرف الکل و بلوغ هویت وجود داشت. وایت^۱ و همکاران (۱۹۹۸، نقل از ادبی، ۱۳۷۹)، گزارش نمودند که آزمودنی‌های دارای سبک هویت سردرگم اجتنابی، در سنین پایین‌تری سوء مصرف الکل را شروع کردند، در صورتیکه آزمودنی‌های دارای سبک اطلاعاتی، مصرف الکل را در سنین بالا شروع کرده بودند. آزمودنی‌های دارای سبک هویت سردرگم اجتنابی، هم اکنون نیز مصرف الکل را در سطح بالایی ادامه می‌دهند، اما آزمودنی‌های دارای سبک اطلاعات، حداقل مصرف مواد را گزارش کردند.

این پژوهش رابطه میان هویت و اعتیاد را بررسی می‌کند، به فهم عمیق‌تر گرایش به استعمال مواد و ارائه راهکارهای پیشگیرانه کمک می‌کند و به سبب‌شناسی استعمال مواد نیز مدد می‌رساند.

زنان معتاد، از گروه‌های شدیداً آسیب‌پذیر جامعه‌اند، لذا از جنبه‌های گوناگون از جمله، خطر قرار گرفتن در معرض فحشاء و تولد کودکان معتاد، لازم است مورد توجه ویژه قرار گیرند. از آنجا که تاکنون در خصوص زنان معتاد تحقیقی انجام نشده، پژوهش حاضر به بررسی نقش احتمالی هویت در اعتیاد زنان پرداخته است. اهمیت این پژوهش، افزون بر جنبه اجتماعی آن، از نظر پیشگیری و همچنین مداخلات بالینی، مورد توجه است. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی بررسی فرضیه‌های زیر خواهد بود: ۱- بین پایگاه هویت و اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد؛ ۲- پایگاه‌های هویت زنان معتاد و زنان غیرمعتاد با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

روش پژوهش

در این پژوهش، از طرح علی-مقایسه‌ای^۱ یا پس رویدادی^۲ استفاده شد. جامعه تحقیق شامل کلیه زنان معتاد ۲۰ تا ۲۵ ساله، مجرد، ساکن استان تهران که در تابستان ۱۳۸۶ به مراکز توانبخشی معتادان جهت درمان مراجعه می‌کردند و زنان غیر معتاد ۲۰ تا ۲۵ ساله، مجرد و ساکن استان تهران بود.

نمونه شامل تعداد ۴۰ زن معتاد مراجعه کننده به مراکز توانبخشی معتادان و ۴۰ زن غیرمعتاد ساکن در محل سکونت زنان معتاد بود که از نظر برخی متغیرهای دموگرافیک (سن، جنس، شغل پدر و مادر، تحصیلات پدر و مادر، محل سکونت) هم‌تاسازی شدند. گردآوری داده‌ها، به کمک دومین نسخه تجدید نظر شده^۳ آزمون گسترش یافته عینی پایگاه هویت من^۴ (EOM-EIS II) که دارای ۶۴ پرسش است انجام شد. آزمون گسترش یافته عینی پایگاه هویت من، نخستین آزمونی است که به صورت یک مصاحبه نیمه ساختار، توسط مارسیا، در سال ۱۹۶۶، برای سنجش پایگاه هویت ساخته شد؛ در این آزمون چهار پایگاه هویت موفق، تعلیق، زودرس و سردرگم، در حیطه‌های شغلی، ایدئولوژی مذهبی و ایدئولوژی سیاسی، مورد آزمون قرار می‌گیرند. (مارسیا، ۱۹۶۶)

گراتوت^۴ و آدامز (۱۹۸۴، نقل از آدامز، ۱۹۹۸)، پایایی آزمون - بازآزمون را در تمام خرده مقیاس‌ها، در یک دوره چهار هفته‌ای آزمودند، همبستگی خرده مقیاس‌های ایدئولوژیک و بین فردی ۰/۵۹ تا ۰/۸۲ بوده و برای سایر خرده مقیاس‌ها، همبستگی بین ۰/۷۱ تا ۰/۹۳ را در دو اجرا به دست آوردند.

استریت متر^۵ (۱۹۹۳)، آن را بر روی ۷۴ دانش آموز دبیرستان اجرا کرد. وی آلفای کرونباخ را در خرده مقیاس‌های ایدئولوژیک، از ۰/۶۵ (برای هویت موفق) تا ۰/۸۲ (برای هویت زودرس) و در خرده مقیاس‌های بین فردی، از ۰/۴۲ (برای هویت سردرگم) تا ۰/۷۹ (برای هویت زودرس) را گزارش داد. (نقل از ادبی، ۱۳۷۹)

1 - causal-comparative

2 - ex-post facto

3- Extended Objective Measure of Ego Identity Status II

4 - Gratvot

5 - Streitmatter

در خصوص روایی^۱ مقیاس هم، مطالعات زیادی انجام شده است. در مطالعه رحیمی نژاد (۱۳۷۹)، بین انواع خرده مقیاس‌ها، رابطه معناداری وجود داشته است. امیریان و شکرکن (۱۳۸۱)، نیز گزارش کردند که از این آزمون برای سنجش وضعیت‌های هویتی استفاده کرده و به نتیجه ضرایب قابل قبول روایی همگرا و همزمان رسیده اند. (نقل از دارابی، ۱۳۸۱)

در مطالعه آدامز و همکارانش در سال ۱۹۸۹ گزارش شده که در انواع روش‌های روایی مورد بررسی قرار گرفته، در تمام ابعاد وجود روایی به اثبات رسیده است. برای مثال در خصوص روایی پیش بین، ارتباط بین هویت یافتگی و صمیمیت، تحول اخلاقی سطح بالاتر و مکان کنترل رابطه معناداری به دست آمده است. در روایی همزمان، بین این مقیاس و مقیاس‌های دیگر، از جمله مقیاس روزنتال، رابطه معناداری گزارش شده است. (نقل از دارابی، ۱۳۸۱)

روش های آماری

پس از نمره گذاری کلیه پرسشنامه‌ها و بازبینی دوباره صحت نمره گذاری، داده‌های خام وارد نرم افزار SPSS شد. سپس داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (t مستقل) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش، شامل توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار، متغیرهای مورد بررسی در جدول‌های ۱ تا ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۱- محل اجرای طرح و جمع آوری اطلاعات

نام مراکز	معتاد	غیرمعتاد	جمع
تهران (مراکز شهید ملت دوست / فامیلی / پارک اندیشه)	۱۵	۱۵	۳۰
اسلامشهر (شهید مصطفی خمینی)	۷	۷	۱۴
شهر ری	۷	۷	۱۴
کرج (امیدسبز / آفرینش / جهان شهر)	۱۱	۱۱	۲۲
جمع	۴۰	۴۰	۸۰

جدول شماره ۲- میانگین و انحراف معیار پایگاه هویت در گروه های معتاد و غیر معتاد

پایگاه هویت	گروه معتاد		گروه غیر معتاد	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
زودرس	۲۷/۵۸	۱۴/۵۷	۳۱/۶	۸۱/۷
سردرگم	۳۶/۸۵	۱۳/۲۲	۳۰/۹	۱۰/۴
موفق	۴۸	۱۰/۱۲	۵۳/۱۵	۸/۹
معوق	۴۶/۷۵	۷/۸	۴۲/۱۸	۱۰/۸

یافته‌های تحلیلی پژوهش شامل آزمون t است که در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون t مستقل دو گروه معتاد و غیر معتاد بر حسب پایگاه هویت

پایگاه هویت	t مشاهده شده	درجه آزادی	سطح معناداری
زودرس	-۱/۳۵	۷۸	۰/۱۸
سردرگم	۲/۲۱	۷۸	۰/۰۳ *
موفق	-۲/۴۵	۷۸	۰/۰۱ *
معوق	۲/۰۸	۷۸	۰/۰۴ *

نتایج آزمون t نشان داد که بین دو گروه معتاد و غیر معتاد در پایگاه‌های هویت سردرگم، موفق و معوق، تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به میانگین‌های دو گروه در نمرات پایگاه‌های هویت، می‌توان گفت که نمرات گروه غیر معتاد در مقیاس هویت موفق، از گروه معتاد بالاتر است و گروه معتاد در مقیاس‌های هویت سردرگم و معوق، نمرات بالاتری از گروه غیر معتاد کسب کردند.

بحث و نتیجه گیری:

هدف این پژوهش، شناخت رابطه پایگاه هویت و اعتیاد و مقایسه پایگاه‌های هویت در زنان معتاد و غیر معتاد بود. یافته‌های پژوهش فرضیات ما را تأیید کردند. در گروه معتاد مشکلات هویتی بیشتری وجود داشت. همچنین میانگین هویت‌های نابالغ و فاقد تعهد (سردرگم، معوق)، در گروه معتاد به طور معناداری از گروه غیر معتاد بالاتر بود. میانگین هویت موفق در گروه غیر معتاد، به طور معناداری از گروه معتاد بالاتر بوده است. به این ترتیب می‌توان گفت که چون افراد دارای هویت موفق از بحران عبور کرده

و به تعهداتی دست یافته‌اند، کمتر در معرض خطر اعتیاد می‌باشند. تعهد به ارزش‌های ایدئولوژیک، خانوادگی، مذهبی و شغلی به عنوان عوامل محافظ عمل کرده و در پیشگیری از گرایش جوانان و نوجوانان به اعتیاد مؤثرند.

این یافته با پژوهش‌های جونز (۱۹۸۴)، به نقل از ادبی، (۱۳۷۹)؛ ویلیس^۱، (۱۹۹۷)؛ هبداچ^۲، (۱۹۷۹)؛ هال^۳ و جفرسون^۴ (۱۹۷۶)، به نقل از اندرسون و جاشوا^۵، (۱۹۹۵) و بیشاپ و همکاران (۱۹۹۷) مطابقت دارد.

براساس تحقیقات (غرابی و همکاران، ۱۳۸۴)، (فتوت، ۱۳۸۱، نقل از دارابی، ۱۳۸۱)، بین هویت و روش‌های مقابله‌ای افراد، ارتباط وجود دارد. افراد دارای هویت‌های پیشرفته‌تر و تعهد، از مهارت‌های مقابله‌ای مؤثرتری استفاده می‌کنند و در شرایط پرخطر، عملکرد بهتری دارند. یکی از ابعاد پایگاه هویت، روابط بین فردی است. افراد دارای هویت موفق، از این نظر نیز رشد یافته‌تر و در موقعیت‌های چالش‌انگیز (مثلاً فشار گروه همسالان)، از مهارت‌های مقابله‌ای مؤثر و کارآمدتری استفاده می‌کنند. استفاده از این مهارت‌ها به عنوان یک مکانیزم محافظتی عمل کرده و باعث پیشگیری از مصرف مواد می‌شود.

همچنین تحقیقات، رابطه بین عزت نفس و هویت (سالاهو و بولمن، ۱۹۹۴) و سلامت روانی و هویت (اریکسون، ۱۹۶۳، مئوس و همکاران، ۱۹۹۹، ادبی، ۱۳۸۱) را تأیید کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که با توجه به اینکه هویت‌های رشد یافته، با عزت نفس بالاتر و سلامت روانی رابطه مثبت دارند، لذا مصرف مواد و اعتیاد در هویت‌های بالغ با احتمال کمتری رخ می‌دهد. بنابراین، توجه به مکانیزم‌های هویت‌یابی نوجوانان و جوانان، برنامه‌های پیشگیرانه می‌تواند در کنترل اعتیاد مؤثر واقع شود.

با توجه به اینکه تعداد افراد دارای هویت معوق در گروه معتاد بیشتر و هویت معوق، پیش درآمدی به سوی هویت رشد یافته است و این افراد در مرحله عبور از بحران قرار دارند، می‌توان نتیجه گرفت که پیشگیری از بروز اعتیاد، از این منظر قابل وصول بوده و با برنامه‌های آموزش خانواده و مداخلات درمانی در سیستم ارتباط خانواده، می‌توان به

1 - Willis
2 - Hebdige
3 - Hall
4 - Jefferson
5 - Jashua

نوجوانان و جوانان کمک کرد تا از بحران عبورکنند و زمینه رسیدن به تعهدات را در خود فراهم کنند.

سپاسگزاری

لازم می‌دانم از مسؤولین محترم مؤسسه داریوش که از این پژوهش حمایت مالی نمودند و همچنین از آقای دکتر یار محمدی و سرکار خانم غفوری به خاطر همکاری و رهنمودهای علمی شان، صمیمانه قدردانی کنم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اتکینسون، ری‌تا ال؛ اتکینسون، ریچارد دسی؛ اسمیت، ادوارد ای؛ بم، داریل ج؛ هوکسما، سوزان نومن، ترجمه
براهنی، محمدتقی؛ بیرشک، بهروز؛ شهرآرای، مهرناز، کریمی، یوسف؛ گاهان، نیسان؛ محی‌الدین، مهدی (۱۳۸۳)،
زمینه روانشناسی هیلگارد، جلد اول، تهران، انتشارات رشد
- ادبی، رضیه (۱۳۷۹)، بررسی رابطه پایگاه هویت و سلامت روانی در اوایل و اواسط نوجوانی، پایان نامه کارشناسی
ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- اندرسون، جاشوا موت (۱۹۹۸)، ترجمه سیدربیع، فریدون (۱۳۸۲)، تغییر هویت ناشی از دارو، اعتیاد پژوهی، سال
دوم شماره ۵
- دارابی، جعفر (۱۳۸۱)، بررسی و تعیین نوع هویت (فردی، ملی، مذهبی) در نوجوانان، طرح پژوهشی دانشگاه علوم
بهزیستی و توانبخشی
- سیف، سوسن (۱۳۷۹)، تئوریهای نوجوانی، تهران، آیین ادراک
- شاره، حسین، آقامحمدیان، حمیدرضا (۱۳۸۶)، رابطه پایگاه هویت و فرار دختران از خانه، مجله روانپزشکی و
روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲ تابستان ۱۳۸۶
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰)، جوان و بحران هویت، تهران، انتشارات سروش
- غرابی، بنفشه، عاطف وحید، محمدکاظم، دژکام، محمود، محمدیان، مهرداد (۱۳۸۴)، راهبردهای مدارای نوجوانان
تهرانی در وضعیت های مختلف هویتی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹

References

- Adams, G.R. (1998), The objective measure of ego identity status: A manual on theory and test construction, Canada: university of Guelph.
- Anderson T.L. (1995), Toward a preliminary macro theory of drug addiction, Deviant behavior, 16, 353-372
- Bishop, D.L., Macy-lewis, J.A., Schnekloth, C.A., Puswella, S. (1997), Ego identity status and reported Alcohol consumption. A study of first year college students. Journal of adolescence, 20
- Keller, A.P. (2000), An Ethnographic study of substance-dependent women in Residential treatment, requirement for Degree of Doctor of Nursing science, Louisiana State University.
- Kroger, J. (1996), Identity in adolescence, the balance between self and others, New York: Routledge.
- Marcia J.E. (1966), Development and validation of ego identity status, . Journal of personality and social psychology, 3, 551-558
- Meeus W. (1996), Studies on identity development in adolescence. An overview of research and some new data, . Journal of youth and adolescence, 25, 569- 598.